



۲۰۱۹/۰۷/۱۸

داکتر وحید ابراهیم

## سردار داود خان و کودتای ۲۶ سرطان

هرچند که من سیاست مدار و مورخ نیستم اما من حیث یک فرد افغان و وطن پرست وظیفه ایمانی و وجدانی خویش می دانم که حقایق تاریخی و وطن را من حیث شاهد از چشم دید خود بصورت بی طرفانه، واقع بینانه و بدون کم و کاست برای آگهی جوانان وطن ما بنویسم :

دورهٔ صدارت شاه محمود خان غازی که سرآغاز دیموکراسی نوین افغانستان محسوب می شود با آزادی بدون قید و شرط همه محبوسین سیاسی آغاز شد، اتحادیه محصلان و گروه های متعدد آزادی بخش به فعالیت های سیاسی شروع کردند، آزادی قلم و بیان بوجود آمد، فعالیت های اداره جابرانه و ظالمانه استخبارات تحت ریاست میر محمد شاه خان نابود گردید. اما دورهٔ صدارت مرحوم محمد داود خان شهید که با انجام یک کودتای داخل فامیلی آغاز شد در اولین قدم به نهضت دیموکراسی جوان خاتمه داد.

جای شک نیست که سردار محمد داود خان یک شخص وطن پرست، با وجدان، با دیانت، پاک نفس و پاک دامن بودند، تاریخ هرگز خدمات شانرا مثل آوردن دوباره نهضت زنان و عملی ساختن پلان های پنج ساله فراموش نخواهد کرد. اما نا دیده نباید گرفت که در دوره صدارت شان دیموکراسی جوان دوباره صلب شد، محابس از محبوسین سیاسی پر شد، ریاست استخبارات به رهبری غلام رسول خان عسکرزوی به پر قدرت ترین اداره دولتی ارتقاع یافت، اداره پولیس و امنیت بدست توره باز خان قوماندان که از ظلم و بیدادگری او همه واقف اند سپرده شد. روئسای تنظیمیهٔ مقتدر مثل محمد گل خان مهمند در قطعن، فیض محمد خان در جنوبی و امثال شان با امتیازات و قدرت عسکری و ملکی و قضایی مقام های نایب الحکومگی و الایت هفت گانه را با صلاحیت عام و تام و دیکتاتوری اداره میکردند.

با ایجاد قرار داد خریداری اسلحه روسی و ارسال محصلین عسکری و ملکی به روسیه و حضور مشاورین و پرسونل تخنیکی روسیه شوروی به افغانستان دروازه های افغانستان را برای کاشتن مفکوره کمونیستی باز و هسته (کی جی بی) و احزاب خلق و پرچم گذاشته شد.

پیشکش ساختن قضیه پشتونستان و سفر بری های بی نتیجهٔ عسکری سبب تیره گی روابط با پاکستان شد که صدمه انرا حتی تا امروز هم مشاهده میکنیم.

دوره دهه طلایی دیمو راسی را که آنها با یک کودتای فامیلی علیه داود خان آغاز شد اکثریت ما بزرگ سالان آسایش و آزادی های آن دوران را به خاطر داریم اما افسوس است که نسل جوان ما آرامش آن دوران را حتی به خواب خود هم ندیده اند.

در مورد کودتای ۲۶ سرطان هیچ سند معتبر و یا کدام مدرکی وجود ندارد که ثابت کند کودتای ساختگی بود. بر علاوه هیچ سند و شواهدی هم ثابت نکرده که پلان یک کودتای دیگر از طرف کدام گروپ دیگر در جریان بوده و داود خان با کودتای سفید ۲۶ سرطان مانع آن کودتا شده باشد. کودتای ۲۶ سرطان ناشی از احساس تشنگی به قدرت صورت گرفت و چون دلیل قانع کننده برای انجام آن وجود نداشت و داود خان شهید نمی توانست که قناعت ملت و دنیا را با اعلان پادشاهی حاصل کند بنأ با تغییر نام نظام سلطنتی به اولین نظام جمهوری ملت و دنیا را اغفال کرده و تا آخرین رمق حیات خود مستبدانه حکومت کرد.

چشم دید واقع بینانه، بی طرفانه و بی غرضانه شخص خودم در مورد دست آورد های دوران جمهوریت داود خان:

۱- قانون اساسی که در همان عصر و زمان یکی از جمله قوانین بی نظیر در منطقه بود و توسط لویه جرگه تصویب شده بود و لویه جرگه محض صلاحیت تعدیل انرا داشت (نه لغو آن را) توسط شخص رهبر کودتا بصورت غیر قانونی لغو شد.

۲- پارلمان و وکلای آن که توسط رای آزاد مردم انتخاب شده بودند با وجود داشتن خلاها میلیون ها بار بهتر تر و برتر از پارلمان و وکلای امروز بودندف توسط یک شخص لغو و صلاحیت آن بدوش یک گروپ بی تجربه متشکل از چند تن محدود مشتمل از ضابتان و خورد ضابتان بنام کمیته مرکزی داده شد.

۳- قوه قضائیه و ستره محکمه مستقل از حکومت و پارلمان هم لغو شد و به وزارت عدلیه مدغم شد. در رأس آن یک داکتر متقاعد باکتریولوژی و کهن سال که رفیق شخصی داود خان بود به حیث وزیر عدلیه و لوی سارنوال قدرت عدلی، قضایی و اداره عالی سارنوالی را بدست گرفت که در هیچ یک نقطه دنیا قاضی و سارنوال از یک اداره واحد و مشترک رهبری نمی شوند.

۴- قوه اجرائیه و اعضای کابینه را که با اخذ رأی اعتماد از پارلمان بصورت قانونی ایفای وظیفه میکردند از وظایف شان جبراً بر کنار و محبوس و یا خانه نشین شدند.

۵- کرسی های ریاست جمهوری، صدارت، وزارت دفاع و وزارت خارجه را شخص خودش بر دوش گرفت. اکثریت کرسی های کابینه توسط کمونیستان مثل حسن شرق، جیلانی باختری، فیض محمد، حمید محتاط، قیوم وردک، داکتر محبی، نعمت اله پژواک، جلالر، پاچاگل وفا دار و یک عده که همین لحظه اسمای شان فراموش شده اشغال شد. باقی اعضای کابینه را ضابتان و اشخاص بی تجربه یا کهن سالانی که سال ها قبل متقاعد شده بودند، تشکیل می داد.

۶- خورد ضابتان که نظر به قوانین عسکری از رتبه (سرپرک مشری) بالا تر نمی رفتند به لمری بریدمی ارتقاع یافتند. کودتاچی های عسکری همه دو و سه رتبه ترفیع کردند و جنرالان تعلیم یافته و با تجربه متقاعد و یا محبوس شدند.

۷- تعداد کثیری از مامورین عالی رتبه دولتی بدون تقصیر یا خانه نشین و یا محبوس شدند.

۸- با بسته شدن دایمی همه اخبار های آزاد، آزادی قلم و بیان صلب شد.

۹- ریاست استخبارات پر قدرت دوباره فعال شد و به تعداد مخبران افزایش بی سابقه صورت گرفت. اشخاص نامدار و مامورین عالی رتبه عسکری و ملکی یا شکنجه می شدند و یا محبوس و یا اعدام.

۱۰- روابط سیاسی با پاکستان دوباره به تیره گی بی سابقه رسید که مردم ما تا امروز آزان رنج می کشند.

۱۱- روابط سیاسی با ایران و سایر جهان که در حال بهبودی بود دوباره به طرف سردی کشانیده شد.

۱۲- دوستی با روسیه شوروی به حد بالا ترین نقطه ارتقاء یافت. اعزام تعداد شاگردان عسکری و ملکی به روسیه و ورود مشاورین روسی به افغانستان بی شمار افزایش یافت که همه بدون شک زمینه ساز و دلیل آمادگی کمونیستان برای کودتای خونین هفت ثور شد.

گفته می توانم که اگر کودتای ۲۶ سرطان صورت نمی گرفت بر علاوه اینکه افغانستان امروزی در قطار کشور های مترقی قرار می داشت حادثات بعدی دوران خونین کمونیستان وطن فروش و دوران مجاهدین چپاولگر و ویرانگر با دوران اختناق و سیاه طالبان منتج نمیگردید و حتی چور و چپاول دوره زمامداری کرزی تا امروز هرگز صورت نمی گرفت.

با عرض حرمت داکتر وحید ابراهیم

پایان

